

مشاهدات هنری در رومانی

نگارش روح‌الله خالقی

رئیس هنرستان موسیقی ملی

انجمن روابط فرهنگی رومانی با کشورهای خارجی از بنده دعوت کرد که در مرداد ماه ۱۳۳۵ برای مشاهده و استماع مسابقه موسیقی ورقس هنریشگان آماتور، بیابنتخت آن مملکت بروم. سفارت رومانی در تهران وسائل این سفر را آماده کرد و پس از کسب اجازه از اداره کل هنرهای زیبای کشور، روز بیستم مرداد از تهران حرکت کردم و از راه بیروت و آتن و صوفیه پس از دو روز به بخارست رسیدم.

نمایندگان انجمن و مترجمی که بزبان فرانسه صحبت میکردند، در فرودگاه، خوش آمد گفتند و مرا به مهمانخانه راهنمایی نمودند. ساعتی بعد بانسبتیوی فرهنگی رومانی و برنامه را با نظر اینجانب تنظیم نمودند. علاوه بر مشاهده مسابقات هنری دیدن موزه ها و آثار تاریخی و مسافرت به چند شهر نیز در برنامه منظور شد و از روز بعد بازدید مؤسسات هنری آغاز گردید.

در این مقاله جای آن نیست که بشاهدات کلی خود از نقاطی که بازدید کردم اشاره نمایم و فقط بموضوع اصلی این مسافرت که موسیقی است میپردازم:

برای اینکه سطح موسیقی ملی بالا برود در رومانی از چند سال باین طرف در مرکزدهات و قصبات و همچنین در کارگاهها و کارخانه ها و مراکز صنعتی و کشاورزی کلاسهای برای آموزش هنرهای ملی مانند موسیقی ورقس و تئاتر و هنرهای دستی و تزئینی ترتیب داده اند و انجمن هائی دایر کرده اند تا کسانی که در یکی از رشته های هنری دارای ذوق و سابقه و استعداد هستند در این کلاسها بتکمیل رشته مورد علاقه خود مشغول شوند. مخصوصاً از لحاظ موسیقی ورقس دسته های زیادی تشکیل شده که جمعاً در حدود دو میلیون تن درجهل هزار دسته کار میکنند. دسته های موسیقی کوچک و بزرگ است و دسته های آواز جمعی از ۶۰ تا ۱۵۰ خواننده دارد. دسته های ورقس هم از شش تا بیست جفت زن و مرد تشکیل میشود.

پس از اینکه این افراد، در مؤسسات تربیتی، خود را آماده کردند، از میان آنها، برای شرکت در مسابقه سالانه انتخاب بعمل میآید و در خاتمه کنکور هم که در پایتخت تشکیل میشود به برندگان مسابقات، گواهینامه یا جوایز نقدی داده میشود. این کار از سال ۱۹۴۹ شروع شده و با نظم و ترتیب در پیشرفت است. قسمتی از مخارج اعزام آرتیست ها را سندیکاهای محلی و قسمتی را هم وزارت فرهنگ میپردازد. در حدود پنج هزار تن از این هنرپیشگان آماتور در بخارست گرد آمده بودند و در مسابقات شرکت میکردند. مسابقات بیست روز طول کشید که صبح و عصر ادامه داشت و در تالاری که گنجایش ۱۵۰۰ تماشاچی داشت عده ای از قضات که از میان هنرمندان انتخاب شده بودند جریان مسابقه را نظارت میکردند و بهر دسته نمره میدادند. این تالار همواره پر از جمعیت بود ولی بلیط فروخته نمیشد و از اشخاصی که مایل بدیدن این نمایها بودند دعوت بعمل میآمد. بنابراین درآمد نداشت و تمام مخارج بمنظور تشویق هنرهای ملی از طرف مؤسسات و دولت پرداخت میشد.

من وقتی به بخارست رسیدم مسابقات چند روزی بود که شروع شده بود ولی روزهای بعد بیشتر آنها را مشاهده کردم. دسته های متعدد از نقاط مختلف مملکت شرکت داشتند و برنامه خود را در حضور هیئت قضات و تماشا کنندگان اجرا مینمودند و چیزی که بسیار جالب بود اینکه وقتی عصرها برنامه مسابقات تمام میشد این دسته ها طبق برنامه ای که برایشان تنظیم شده بود بنقاط مختلف شهر میرفتند و در میدانهای عمومی و باغها روی سن های موقتی که درست کرده بودند همان برنامه هائی را که قبلا در سالن مسابقه اجرا کرده بودند تکرار مینمودند تا مردمی که موفق نشده بودند کارت ورودی کنسرتها را بس دست آورند ایستاده تماشا کنند و همه مردم پایتخت، هنرمندان را از نزدیک ببینند و بهنرهای ملی مردم کشور خود آشنا شوند. در حقیقت درین دو هفته از تمام شهر صدای موسیقی بر میخواست و هنگامی که دسته های آماتور شروع برقصهای محلی میکردند، تماشا کنندگان نیز از آنها تقلید کرده میرقصیدند و نشاط و شادی عجیبی شهر را فرا میگرفت که تا پاسی از شب ادامه داشت.

مقصود از این نمایشات و مسابقات اینست که مردم مملکت بهنرهای محلی و ملی علاقمند شوند و بدانند که هنر عوام چنانکه برخی تصور میکنند موضوعی پیش پا افتاده و مبتذل نیست و از لحاظ هنری ارزش بسیار دارد. درین مسابقات، مردم نقاط مختلف مملکت یکدیگر را می بینند، بلباسهای محلی و انواع موسیقی و رقص ملی آشنا میشوند و وقتی در حضور قضات مینوازند و میخوانند و میرقصند و می بینند که هنرمندان با کمال دقت بکار آنها توجه دارند، بخوبی درک میکنند که هنر ملی کشور دارای قدر و ارزش فراوانست. بنابراین بکار خود دلگرم میشوند و چه بسا که از میان همین آماتورها بعد ها کسانی پیدا میشوند که شغل هنری انتخاب میکنند و در عداد هنرمندان در میآیند و در نتیجه هنر کشور بدرجات عالیتری از ترقی و پیشرفت میرسد که اسباب افتخار مملکت را فراهم میکند.

اکنون بشرح مختصری از تشکیلات یکی از بهترین ارکسترهای ملی بخارست میپردازد که بار بولا توتارو (Barbu Lautaru) نام دارد و بزرگترین ارکستر ملی رومانیست و در حدود پنجاه نوازنده دارد. درین ارکستر علاوه بر انواع سازهای آرشه ای و فلوت و قرنی دسته ای از سازهای ملی هم شرکت دارد. آهنگها دارای هم-آهنگی است که همه از حفظ نواخته میشود. اعضای ارکستر نیز لباس ملی پوشیده و دسته رقاصان آن هم ۱۶ تن بودند: هشت دختر و هشت پسر که در کار خود بسیار مهارت داشتند. ارکستر از لحاظ اجرای آهنگها و مخصوصاً حالات (Nuances) فوق العاده چابک و ماهر بود و رئیس ارکستر هم تسلط فوق العاده داشت. نغمات ارکستر همه روی الحان محلی تنظیم شده بود که بسیار خوش آیند بود. انواع سولوی سازهای ملی نیز به همراهی ارکستر در برنامه گنجانیده شده بود. از رئیس ارکستر پرسیدم چگونه میتوان این همه آهنگهای مختلف را که دارای هم آهنگی است و هر کس بخش مخصوص خود را مینوازد از حفظ اجرا کرد؟ گفت نوازندگان سالهاست در کار خود تخصص یافته و دارای گوشهای بسیار دقیق هستند و تمرین زیاد هم میکنند. این ارکستر در همان روزها عازم مسافرت بکشورهای دیگر بود که موسیقی ملی رومانی را معرفی کند و شك ندارم که همه جا برنامه اش با حسن استقبال روبرو شده است.

چند روز قبل کتابی بزبان انگلیسی بدستم رسید که نویسنده آن Leonard Cassini در سالهای ۱۹۵۱ و ۱۹۵۳ برای مشاهده فستیوال موسیقی ملی برومانی رفته و مشاهدات و نظریات خود را نوشته است. نامبرده که از موسیقی-دانهای معروف انگلستان بوده نیز تحت تأثیر همین ارکستر واقع شده و در اطراف آن چنین مینویسد:

« ارکستر بار بولا توتارو را شنیدم و چنین احساس کردم که مثل یکی از بهترین ارکسترهاییست که توسط رهبر نابغه ای اداره میشود. موسیقی نوشته در کار نیست و تنها در اثر تمرین دقیق و عادت بیداهه نوازی کار ارکستر روبراه میشود. کیفیت صدای حاصله ازین ارکستر با يك ارکستر سنفینک تفاوت کلی دارد ولی نتیجه حاصله اسباب رضایت کامل است. تغییر حالات که یکی از اشکالات ارکستر است درین ارکستر بسیار طبیعی بود و با مختصرترین اشاره انگشتان رئیس ارکستر پدید میامد. نوازندگان ارکستر در کار خود کمال شوق را بکار میبردند همانطور که شنوندگان کاملاً راضی بودند. در حقیقت میتوان گفت که عیب جوترین اشخاص از شنیدن این ارکستر کاملاً تحت تأثیر شوق قرار میگیرند. »

•••

اما دنباله مطلب راجع بپایان مسابقات که مصادف با روز ۲۳ اوت بود که جشن سالانه ملت رومانی است. در آن روز که رژه در میدان بزرگی انجام گرفت تظاهرات ملت بسیار تماشائی بود و تمام دسته های موسیقی و رقص آماتوری نیز در حال نواختن و خواندن و رقصیدن، بطور آزاد رژه رفتند و با سایر مردم درین جشن

شرکت کردند و این تظاهرات ملی در حدود سه ساعت طول کشید که پیشنده را غرق تحسین میکرد. درین جشن کارناوال بزرگی هم از تمام کارگران کارخانه ها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی راه افتاده بود که محصولات خود را در روی عرابه هایی نشان داده معرفی میکردند و دسته های ورزشی نیز در حال عبور انواع بازیها و ورزشها را مانند تنیس - باسکتبال - فوتبال - دوچرخه سواری و موتوسیکلت رانی - قایق رانی و حرکات آکروباسی اجرا کردند که بسیار جالب و تماشائی بود و بخوبی روحیه شاد ملت را نمودار میساخت.

اکنون از روش جمع آوری آهنگهای محلی رومانی بحث میکنم:

در رومانی اهمیت بسیاری بفولکلور ملی داده میشود و چنانکه معلوم است این کشور در میان ممالک اروپا ازین لحاظ خیلی غنی است. از مطالعه کارهایی که در انستیتوی فولکلور میشود، درجه اهمیت این مطلب بخوبی معلوم میگردد. یکی از موضوعات جالب این سفر ملاقات آقای «پوپ» رئیس انستیتوی فولکلور بخارست بود. درین رشته اقدامات بسیار اساسی صورت گرفته است. این انستیتو در اوائل قرن حاضر تأسیس شده ولی کار اساسی را هفت سال است که شروع کرده است. درین مؤسسه ۳۴ متخصص در رشته های موسیقی و رقص و ادبیات محلی کار میکنند که ۲۲ تن آنها موسیقی دان هستند. برای جمع آوری آهنگهای محلی، متخصصین بعجل میروند آهنگ و شعر را با دستگاه ضبط صوت ثبت میکنند و نظریات خود را هم مینویسند و آهنگها را از نظر تاریخی و جغرافیائی و عادات ملی طبقه بندی میکنند. هر آهنگ کارتهای مخصوص دارد. در روی این کارتها، نام خواننده و نوازنده و جمع آوری کننده و اینکه آیا اجرا کننده سفر کرده است یا خیر و تحت تأثیر موسیقی شهری واقع شده یا نه با دقت مخصوص بسادداشت میشود. هر آهنگی پرونده مخصوص دارد. تاکنون چند میلیون آهنگ جمع آوری شده که مقداری از آنها را چاپ کرده اند و بقیه بتدریج در دسترس طبع و نشر گذارده میشود که پس از چاپ سربچهل جلد میزند. نمونه هایی از نت نویسی آهنگهای چاپ شده را دیدم و با صفحاتی که گذارده میشد مقایسه کردم. بسیار دقیق و خوب نوشته و ضبط کرده بودند. چون خط موسیقی از قرن هفدهم کامل شده و بتدریج رواج یافته است برای آهنگهای قبل از آن دوره از روش مقایسه تطبیقی (Methode Comparatif) استفاده میشود. بقراری که رئیس انستیتو میگفت کار اصلی بعد از جمع آوری آهنگ شروع میشود که مطالعه کنند و خصوصیات ترانه هارا با مقایسه آهنگهای دیگر در بایند. در قسمت رقص هم باعلامات مخصوص، حرکات رقصها را تعیین و ثبت میکنند. از انواع موسیقی لیریک و رقص و موسیقی مخصوص رومانی بنام دوینا (Doyna) نمونه هایی شنیدم و چند جلسه دیگر هم بارتیس انستیتو مذاکره کردم. بسیار مرد خوش محضر مطلع و ادری بود و استفاده شایان از تجربیات او بردم. همین آهنگها و رقصهاست که از طرف انستیتوی

فولکلور در دسترس ارکسترهای ملی گذارده میشود و برنامه اصلی ساختن آهنگها را که بدست کمپوزیتورها انجام میگيرد تشکیل میدهد.

اکنون بطور خلاصه حالت موسیقی ملی رومانی را در چند جمله بیان میکنم: آهنگها عموماً شاد و خوشحال و تند است با استثنای «دوینا» که جنبه ای شاعرانه دارد و ضربش سنگین است. با آواز دسته جمعی اهمیت بسیار میدهند. در مسابقات، دسته های بسیار دیدم که از لحاظ اجرا بسیار خوب و ماهرانه میخواندند. وزن رقصها نیز تند است و بیشتر حرکات در پاها میباشد و تقریباً دست و صورت بی



حرکت است. رقص رومانی را بنظر من باید «پای کوبی» گفت که نشاط بسیار دارد و تنوع لباسهای ملی نیز بیشتر بر زیبایی آن میافزاید. در ارکسترها علاوه بر سازهای آرشه ای از سازهای ملی مانند «سیمبالو» که از روی سنتور ساخته شده و «کوزا» که شباهت به عود دارد و همچنین انواع نی و فلوت استفاده میشود و یک نوع نای دارند که مرکب از چند لوله مستقیم کوتاه و بلند است که بهم متصل شده و نوعی از قرنسی دارند که «تارا کوتانا» نامیده میشود.

برای اینکه معلوم شود در هر کاری چگونه از روی اسلوب صحیح، کار میشود یک مثال میزنم: آفای یوپ رئیس انستیتوی فولکلور میگفت «موسیقی ملی در همه جای دنیا بیشتر جنبه سولو

نوازنده «نای»

دارد و وقتی بخواهند از سازهای ملی در ارکستر استفاده کنند از لحاظ کون کردن آنها با سازهای دیگر ارکستر دوچار اشکال میشوند زیرا طرز ساختن سازهای ملی از روی اسلوب کامل نیست و قواعد علمی در ساختن آنها کاملاً مراعات نشده است و اغلب با «دیاپازن» که مبنای کونک در ارکستر است تطبیق نمیکند. برای اینکه به نتیجه عملی برسند سازهای ارکستر «باربولاتونارو» را مآخذ قرار دادند و سازندگان سازهای ملی دستور دادند که آن نمونه ها را که بترتیب صحیحی برای ارکستر ساخته شده بود مبنای کار قرار دهند. زیرا قبلاً متخصصین صوت شناسی بتمام نقاط کشور رفته سازهای مختلف را جمع آوری کرده بودند و مخصوصاً در ساختن نیها



نوع سولیت «سیمبال» ارکستر «باربولوتارو»

وفلوتها و نمونه کاملتر انتخاب کردند و بالاخره کارخانه ای برای ساختن نی ایجاد کردند که حالا سالی دو میلیون فلوت میسازد که همه هم کوک هستند. این فلوتها را که ساده و بی کاپد هستند همه نقاط مملکت میفرستند و نوازندگان نیز از همانها استفاده میکنند و با این ترتیب میتوان در تمام ارکسترها براحتی از آن استفاده نمود. عدد دو میلیون اسباب تعجب نشود زیرا مردم رومانی علاوه بسیار بنواختن نی و فلوت دارند و در تمام دهات، تنها ساز رایج است که همه مینوازند و اغلب هم بسیار خوب از عهده برمیایند. همچنین در قسمت نی که عیناً مانند نی هفت بند ایرانست انواع مختلف کوتاه و بلند وجود دارد و یک نوع آن را برای ارکستر انتخاب کرده اند چنانکه در یکی از ارکسترها ده نوازنده نی دیدم که با هم مینواختند و سازهایشان هم کوک بود.

یکی از هنرمنایهای جالب، سوت زدن است. هنرمندانی را دیدم که در کنسرتها سولوی سوت بهراهی ارکستر میزدند که بسیار ماهرانه انجام میگرفت و برای اینکه صدای فوت نوازنده قوی باشد یک تکه از فلس ماهی را روی زبان میگذارند و با حرکات انگشتان و دست که در جلوی دهان قرار میدادند درحقیقت یک جعبه صوتی (Caisse de resonance) درست میکردند و برقوت سوت میافزودند و حالات مختلف باین نوع موسیقی ساده طبیعی میدادند. در رستوران پسکاروش و همچنین در رستوران کنتینانقال بخارست دو نوازنده سوت دیدم که انسان از کار آنها حیرت میکرد. همچنین در کنسرتی که بمناسبت جشن ۲۳ اوت در سالن ابرای بخارست داده شد سولوی سوت همراه با ارکستر بسیار ماهرانه انجام گرفت و نوازنده درست مثل اینکه فلوت کوچک را با کمال مهارت مینواخت منتها هیچ آلت موسیقی در دست نداشت و تمام اصوات گوناگون را بکمک لبها و دهان و دندان ایجاد مینمود.

اما موسیقی کلاسیک :

در رومانی دو کنسرواتور و عده ای مدارس موسیقی و ۲۲ ارکستر سنفونیک وجود دارد. یکی از این ارکسترها را در جشن سالانه در سالن ابرای شنیدم که بیش از صد نوازنده داشت و دسته آواز جمعی این ارکستر هم در حدود صد تن بودند. با این ارکستر هم سولوی آواز سیمبال و سوت اجرا شد که بسیار خوب بود. متأسفانه چون درین فصل ارکسترها ایام تعطیل را میکنند موزق بدیدن آنها نشدم و مدارس

موسیقی هم هنوز باز نشده بود بنابراین نتوانستم مطالعاتی از لحاظ موسیقی سنفیک و کلاسیک رومانی بعمل آورم. در شهر « براسو » با رئیس ارکستر ابرای آشنا شدم که بسیار اظهار علاقه به موسیقی ملی ایران کرد و ازم چند آهنگ محلی گرفت که با آنها يك قطعه بزرگی بسازد و برای اجرا به تهران بفرستد که توسط ارکستر سنفیک تهران اجرا شود. نامبرده از شکل و آهنگ ملودیهای ایرانی مخصوصاً از مقام چهارگاه بسیار خوش آمد و مدتی راجع به موسیقی دو کشور بحث و گفتگو کردیم. خواننده تنور ابرای هم حضور داشت. جلسه ای بود دوستانه که از طرف رئیس انجمن فرهنگی آن شهر تشکیل شده بود که با موسیقی دانان آشنا شوم و از افکار و نظریات یکدیگر راجع باین فن اطلاع یابیم.

وقتی در بخارست بودم بشارت دادند که بعد از چند ماه دسته ای از هنرمندان رومانی بدعوت انجمن فیلارمونیک تهران بایران خواهند آمد که موسیقی و رقص ملی خود را برای هموطنان من اجرا نمایند. آنها تقاضا داشتند که درین کار مبادله بشل شود و هیئتی هم از هنرمندان ایران در فصل مقتضی برای همین منظور برومانی بروند. این که عرض کردم این موضوع مورد علاقه مخصوص آنهاست از این جهت است که در هنگام اقامت بخارست ازم خواستند که کنفرانسی راجع به موسیقی ملی ایران در انستیتوی فولکلور بدهم و من چون چند نواز از آهنگهای ایرانی داشتم ضمن سخنرانی مزبور نمونه ای هم از موسیقی ایران بسمع آنها رسانیدم که بسیار مورد توجه قرار گرفت و حتی نوازها را دوبله کردند که هم در انستیتو نگاهدارند و هم از رادیوی بخارست پخش نمایند. در روز کنفرانس دو متخصص فولکلور نروژی و انگلیسی هم که در میان مدعوین بودند حضور داشتند و بسیار اظهار علاقه به موسیقی ملی ایران کردند و از جمله نوازندگی ضربها که برهبری هنرمند ایران آقای حسین تهرانی اجرا شده بود بقدری مورد تحسین قرار گرفت که از حد تصور من بیرون بود. آقای پوپ جمله گفت که بسیار اسباب تعجب شد و اگر شما هم بگویم شاید باور نکنید ولی بدانید که عین حقیقت است. او گفت این قسمت برنامه همان قدر در او تأثیر کرده است که يك ارکستر سنفیک کامل را شنیده باشد. نه تصور کنید این مطلب را از باب تعارف گفت.

عین حقیقت بود. مقصودم از ذکر این جمله این بود که هنر وقتی کامل شد و هنرمند خوب از عهده اجرا برآمده جا مورد پسند و قبول است برنامه دیگری که از هنرمند خوش آوازا آقای غلامحسین بنان بود نیز خیلی طرف توجه قرار گرفت و همه تصدیق کردند که خواندن آوازی ایرانی باین سبک بسیار کار دشواری است. سازهای سولومنانند و روقانون



وتار نیز بسیار مورد پسند قرار گرفت. خودشان میگفتند موسیقی ایرانی در قرون قدیم بوسیله ترکها که مدتی در رومانی فرمانروائی داشته اند در موسیقی آن کشور تأثیر داشته است و همین نفوذ و اثر قدیمی است که این دو نوع موسیقی بگوش ما و آنها آشناست. اینک که دولت ایران و رومانی رابطه‌ای در ذوق و هنر دارند چقدر مناسب است که در دنیای امروز که روابط ملت‌ها بیشتر شده است ارتباط نزدیکتری با مبادله هیئت‌های فرهنگی و هنری پیدا کنند و چقدر جای خشنودی است که سفارت رومانی در تهران و انجمن فیلارمونیک تهران این باب را افتتاح کرده‌اند. امیدوارم بین دو کشور دوست ایران و رومانی همواره این روابط بیشتر شود.

در خاتمه این مقاله باید از سفارت رومانی در تهران که موجب این مسافرت را فراهم نمود و انجمن روابط فرهنگی آن کشور که مرا با هنرمردم رومانی آشنا کرد و اداره کل هنرهای زیبای کشور که اجازه شرکت در این مسابقات هنری را داد کمال امتنان را ابراز نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی